

واکاوی ساختارهای نمادین در شعر نصرت رحمانی: تحلیل مفهوم عشق و رنج از منظر زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی

نگار صادقی^۱، سید مهدی حسینی^۲، پریسا محمودی^۳

۱. دانشکده ادبیات عرفانی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. دانشکده ادبیات عرفانی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

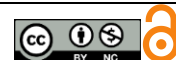
۳. دانشکده ادبیات عرفانی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: dr.mehdihosyni@gmail.com

چکیده

این مقاله به تحلیل نمادهای عشق و رنج در اشعار نصرت رحمانی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی خاص شعر او را تبیین کند. عشق و رنج به عنوان دو مفهوم اساسی و پیچیده، در شعر رحمانی جلوه‌ای چندلایه و عمیق یافته و به بیان تجربه‌های انسانی و عرفانی تبدیل شده‌اند. این دو مفهوم در اشعار رحمانی نه تنها به عنوان بیانگر تجربه‌های شخصی شاعر، بلکه به عنوان عناصری اساسی در ایجاد پیوند میان اندیشه‌های عرفانی کلاسیک و مسائل اجتماعی و فرهنگی زمانه عمل می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رحمانی با استفاده از زبان نمادین و استعاره، عشق را به عنوان نیرویی تعالی‌بخش و رنج را به عنوان مسیری برای تزکیه و رشد معنوی تصویر کرده است. او این مفاهیم را با دنیای مدرن و شرایط اجتماعی پیوند داده و از این طریق توانسته است شعری چندبعدی و معنادار خلق کند که خواننده را به تجربه‌ای زیباشناختی و معنوی دعوت می‌کند. در بخش بحث و نتیجه‌گیری، پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده در حوزه شعر عرفانی معاصر و تحلیل نمادهای عرفانی ارائه شده است. این پژوهش می‌تواند به عنوان بستری برای درک بهتر از نقش عرفان و نمادشناسی در شعر فارسی معاصر و نحوه بیان مسائل اجتماعی و فلسفی در قالبی زیبایی‌شناسانه مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نصرت رحمانی، عشق، رنج، زیبایی‌شناسی عرفانی، نمادشناسی، شعر فارسی معاصر، ادبیات عرفانی.



شیوه استناددهی: صادقی، نگار، حسینی، سید مهدی، و محمودی، پریسا. (۱۴۰۳). واکاوی ساختارهای نمادین در شعر نصرت رحمانی: تحلیل مفهوم عشق و رنج از منظر زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۱)، ۵۸-۷۱.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۷ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Psychological Critique of the Poems of Mahdi Akhavān Tālisi: An Exploration of Social and Political Unconscious in the Text's Inner Layers

Negar Sadeghi¹, Seyed Mehdi Hosseini^{2*}, Parisa Mahmoudi³

1. Department of Mystical Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran

2. Department of Mystical Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran

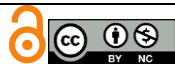
3. Department of Mystical Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran

*Corresponding Author's Email: dr.mehdihosyni@gmail.com

Abstract

This article analyzes the symbols of love and suffering in Nosrat Rahmani's poetry, aiming to elucidate his unique mystical-aesthetic style. Love and suffering, as fundamental and complex concepts, are given multilayered and profound dimensions in Rahmani's work, embodying human and mystical experiences. In Rahmani's poetry, these two concepts not only reflect the poet's personal experiences but also serve as core elements that bridge classical mystical thoughts with the social and cultural issues of his time. The findings reveal that Rahmani uses symbolic and metaphorical language to portray love as a transcendent force and suffering as a path for purification and spiritual growth. By intertwining these themes with modern social realities, he has crafted a multidimensional and meaningful poetic style that invites readers to an aesthetic and spiritual experience. In the discussion and conclusion, suggestions are made for future studies in the field of contemporary mystical poetry and the analysis of mystical symbols. This research serves as a foundation for a deeper understanding of the role of mysticism and symbolism in modern Persian poetry and how social and philosophical issues are expressed within a unique aesthetic framework.

Keywords: *Nosrat Rahmani, love, suffering, mystical aesthetics, symbolism, contemporary Persian poetry, mystical literature*



How to cite: Sadeghi, N., Hosseini, S. M., & Mahmoudi, P. (2024). Psychological Critique of the Poems of Mahdi Akhavān Tālisi: An Exploration of Social and Political Unconscious in the Text's Inner Layers. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(1), 58-71.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 27 January 2024

Revise Date: 5 March 2024

Accept Date: 22 March 2024

Publish Date: 1 April 2024

مقدمه

ادبیات فارسی همواره بستر مناسبی برای بازنمایی احساسات انسانی عمیق، مفاهیم فلسفی، و تجربه‌های معنوی بوده است. این بستر غنی باعث شده تا شعر به عنوان یکی از شیواترین قالب‌های ادبی، مفاهیمی چون عشق و رنج را به عنوان مفاهیمی فراگیر در متون مختلف بازنمایی کند. نصرت رحمانی، با بهره‌گیری از زبانی نمادین و عمیقاً معنادار، توانسته است مفاهیمی چون عشق و رنج را از نگاهی خاص و متناسب با دوران معاصر بازآفرینی کند و به گونه‌ای در شعر خود بیان کند که همچنان مخاطبان مختلف و به‌ویژه دوستداران ادبیات عرفانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ادبیات فارسی، عشق و رنج به عنوان دو مفهوم اساسی که در اشعار کلاسیک و مدرن تبلور یافته‌اند، همواره جایگاهی ویژه داشته‌اند. این مفاهیم در ادبیات عرفانی و فلسفی به عنوان دو نیروی اصلی در زندگی انسان‌ها درک می‌شوند و در قالب عشق به معنای اتصال به حقیقت مطلق و رنج به عنوان مسیری برای تزکیه نفس و رشد معنوی به تصویر کشیده شده‌اند. اشعار رحمانی نیز در این زمینه با الهام از ادبیات عرفانی کهن، به‌ویژه آثار مولوی، ابن عربی، و دیگر شاعران و عرفای بزرگ، از زبان و ساختارهای نمادین برای بازنمایی عشق و رنج بهره‌برده است. پژوهش‌های پیشین بر نمادهای گوتیک و دیگر عناصر در شعر رحمانی تأکید کرده‌اند و این امر حاکی از استفاده‌ی وی از نشانه‌ها و نمادهایی است که می‌توانند ابعاد جدیدی از مفاهیم کلاسیک عشق و رنج را برای خواننده بازگو کنند (1).

این پژوهش حول محور تحلیل ساختارهای نمادین در شعر نصرت رحمانی شکل گرفته است. شعر رحمانی به عنوان یکی از نمونه‌های شاخص ادبیات معاصر فارسی، توانسته است به طور مؤثری مفاهیم عشق و رنج را با زبان نمادین و استعاره‌ی تلفیق کند و خواننده را به سفری معنوی و زیبایی‌شناسانه دعوت کند. از سوی دیگر، بیان مسئله این پژوهش از این نکته نشأت می‌گیرد که

با وجود پژوهش‌های زیادی که در زمینه‌ی نمادشناسی و تحلیل عرفانی شعر فارسی صورت گرفته، تحلیل‌های جامعی که بر نمادهای خاص رحمانی در رابطه با عشق و رنج تمرکز داشته باشند، کم‌یاب‌اند. این موضوع سبب شده تا پرسش اصلی پژوهش این باشد که چگونه نصرت رحمانی با استفاده از زبان نمادین و ساختارهای استعاره‌ی مفاهیمی چون عشق و رنج را از دیدگاهی عرفانی و زیبایی‌شناسانه به تصویر کشیده است. در این راستا، هدف اصلی پژوهش، تحلیل و بررسی نحوه به‌کارگیری نمادها در اشعار رحمانی و فهم رابطه میان این نمادها و موضوعات عشق و رنج در قالب ادبیات عرفانی است. این تحلیل می‌تواند به درک عمیق‌تری از زبان و سبک رحمانی در انتقال مفاهیم معنوی و عاطفی به مخاطب کمک کند.

ادبیات عرفانی و زیبایی‌شناسی شعر فارسی از دوران کلاسیک تاکنون بر محور عشق و رنج به عنوان عناصری بنیادین در تجربه‌ی انسان تمرکز داشته است. این دو مفهوم از دیدگاه عرفا نه تنها ابزاری برای بیان احساسات فردی، بلکه به عنوان دروازه‌ای به سوی شناخت حقیقت و تعالی در نظر گرفته می‌شوند. در ادبیات معاصر، شعر فارسی به گونه‌ای خاص این مفاهیم را با دوران و شرایط اجتماعی-فرهنگی جدید انطباق داده است و نصرت رحمانی نیز با سبک و رویکرد خاص خود به این جریان پیوسته است. از این منظر، می‌توان ادعا کرد که رحمانی نه تنها مفاهیم سنتی عشق و رنج را در بستر شعر معاصر بازتعریف کرده، بلکه ساختارهای نمادین و زبان شعری وی به خواننده کمک می‌کند تا از طریق تجربه زیباشناختی شعر، به درک عمیق‌تری از مفاهیم عرفانی دست یابد (2).

پرسش‌های پژوهش این مقاله به‌طور مشخص در پی روشن‌ساختن چندین مسئله اساسی هستند: نخست، چگونه رحمانی از نمادهای خاص در اشعارش برای بیان عشق و رنج بهره می‌گیرد و این نمادها چه رابطه‌ای با زیبایی‌شناسی عرفانی دارند. دوم، چگونه

روش‌شناسی

این مطالعه از روش تحلیل کیفی محتوای متنی بهره می‌گیرد که به منظور درک عمیق از مفاهیم نهفته و ساختارهای نمادین عشق و رنج در شعر رحمانی طراحی شده است. این روش به دلیل ویژگی‌های نمادین و معانی چندگانه‌ی موجود در شعر، بهترین ابزار برای واکاوی مفهوم عشق و رنج از منظر زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی به شمار می‌آید. تحلیل کیفی به محقق اجازه می‌دهد به درک دقیق‌تری از لایه‌های معنایی و پیوندهای نمادین دست یابد، زیرا چنین مفاهیمی اغلب به شکلی مبهم و چندلایه در اشعار رحمانی ظاهر می‌شوند.

پیش از آغاز تحلیل، تمامی آثار شعری نصرت رحمانی گردآوری و مطالعه شده‌اند تا تصویری کلی از مضامین و سبک ادبی وی به دست آید. این آثار سپس بر اساس درون‌مایه‌های مرتبط با عشق و رنج طبقه‌بندی شده و بر مفاهیم نمادین آن‌ها تمرکز ویژه‌ای صورت گرفته است. در این پژوهش از روش مطالعه موردی برای تحلیل عمیق‌تر چند شعر منتخب که به وضوح حامل نشانه‌های عشق و رنج بوده‌اند، استفاده شده است. انتخاب شعرها بر مبنای معیارهایی چون برجستگی نمادها، تنوع و عمق استفاده از مفاهیم عرفانی و همچنین تأثیرگذاری این اشعار بر زیبایی‌شناسی ادبیات معاصر صورت گرفته است. انتخاب این شعرها به محقق امکان می‌دهد تا به‌طور متمرکز به تحلیل نمادها و معنای ضمنی هر کدام از این اشعار بپردازد و تفسیری کامل‌تر از مضامین ارائه کند.

برای تحلیل مفاهیم نمادین عشق و رنج، از نظریه‌های ادبی و عرفانی شناخته‌شده‌ای همچون نظریات ابن‌عربی و مولوی در زمینه عشق و تعالی معنوی استفاده شده است. این نظریات به‌عنوان چارچوب نظری در تحلیل شعرهای رحمانی به کار رفته‌اند تا مقایسه‌ای میان دیدگاه عرفانی کهن و تفسیرهای ادبی معاصر صورت گیرد. با این رویکرد، تلاش شده است تا نقش عشق و رنج به عنوان عناصر محوری در شعر رحمانی به‌طور دقیق‌تر و

مفاهیم عشق و رنج به عنوان عناصر بنیادین عرفانی در بستر اشعار وی به شکل نمادین و با استفاده از زبانی استعاری بازتاب می‌یابند. همچنین، این پژوهش در پی آن است که بررسی کند آیا این ساختارهای نمادین در شعر رحمانی می‌توانند پیوندی میان مفاهیم کلاسیک و معنوی با تجربیات و احساسات انسان معاصر ایجاد کنند یا خیر.

هدف این پژوهش نه تنها تحلیل و بررسی نمادهای خاص در شعر رحمانی بلکه بررسی عمیق‌تر از زیبایی‌شناسی عرفانی به‌عنوان یک رویکرد هنری و فلسفی در اشعار وی است. به عبارت دیگر، این مقاله در تلاش است تا به‌طور دقیق‌تر به چگونگی به‌کارگیری زبان نمادین رحمانی و نحوه به تصویر کشیدن عشق و رنج از دیدگاه عرفانی بپردازد و به تحلیل پیوندهای معنایی و فلسفی آن با دیگر اشعار و آثار مشابه در ادبیات فارسی بپردازد. به عنوان نمونه، رحمانی با استفاده از نمادهایی چون لیلی و مجنون، نه تنها به عشق زمینی و انسانی اشاره می‌کند، بلکه این عشق را به‌عنوان استعاره‌ای برای عشق عرفانی و شناخت مطلق مطرح می‌سازد. این رویکرد نمادین سبب شده تا شعر رحمانی به یک تجربه‌ی زیبایی‌شناسانه برای خواننده تبدیل شود که از طریق آن می‌تواند به درک جدیدی از حقیقت و معنویت دست یابد (3).

اهمیت این پژوهش در آن است که به زوایای کمتر شناخته‌شده‌ی شعر رحمانی پرداخته و به تحلیل ابعاد جدیدی از مفاهیم عشق و رنج در شعر فارسی دست می‌زند. همچنین، با پرداختن به رویکردهای عرفانی در شعر معاصر، این پژوهش می‌تواند برای مخاطبان علاقه‌مند به ادبیات عرفانی و فلسفی فارسی و همچنین پژوهشگران حوزه‌ی ادبیات معاصر جذاب و مفید باشد. رحمانی در اشعار خود با بهره‌گیری از زبان و ساختارهای خاص ادبی، توانسته است مفاهیمی چون عشق و رنج را در قالبی نوین و معاصر بازنمایی کند و این مقاله تلاش دارد تا به بررسی چگونگی تحقق این هدف در آثار وی بپردازد.

جامع‌تر مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، با توجه به آنکه ساختارهای نمادین در شعر نصرت رحمانی بسیار پیچیده و چندلایه هستند، از رویکردهای تفسیر متنی و تحلیل نشانه‌شناسی بهره‌برداری شده است. نشانه‌شناسی در این پژوهش به منظور شناخت دقیق‌تر روابط نمادین و معانی ضمنی استفاده شده و بر این اساس، نمادهای عشق و رنج به عنوان عناصری مورد مطالعه قرار می‌گیرند که در پیوندی پیچیده با دیگر اجزای شعر قرار دارند و ساختاری معنادار از مفهوم عشق عرفانی و رنج در اشعار نصرت رحمانی ایجاد می‌کنند.

در طی فرآیند تحلیل، رویکرد تطبیقی نیز به کار گرفته شده است تا ارتباط نمادهای موجود در اشعار رحمانی با مضامین مشابه در آثار شاعران عرفانی کلاسیک بررسی شود. به این ترتیب، تحلیلی از تمایزها و شباهت‌ها در تفسیر مفهوم عشق و رنج بین شعر رحمانی و شاعران عرفانی دیگر به دست می‌آید که به درک عمیق‌تری از سبک و رویکرد ادبی وی کمک می‌کند. این مقایسه نه تنها سبب روشن‌تر شدن ماهیت نمادهای عشق و رنج در اشعار رحمانی می‌شود، بلکه با تبیین تفاوت‌ها، دیدگاه ویژه وی را نسبت به مفاهیم عرفانی نمایان می‌سازد.

مبانی نظری

مفهوم زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی در ادبیات فارسی، به‌ویژه در حوزه شعر، نقشی بنیادین در بیان مفاهیم و تجربه‌های انسانی، فلسفی، و عرفانی ایفا کرده است. این مفهوم در ادبیات کلاسیک فارسی از طریق بهره‌گیری از نمادهای گوناگون و به تصویر کشیدن مفاهیم پیچیده‌ای چون عشق و رنج به شیوه‌ای هنری، به شاعران امکان داده تا از حدود زبان روزمره فراتر رفته و به بیان عمیق‌ترین تجربه‌های معنوی بپردازند. عرفان و شعر فارسی همواره به عنوان دو مسیر مکمل در جستجوی حقیقت و معنا عمل کرده‌اند و در این مسیر، زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی به عنوان ابزاری برای بیان و

تفسیر تجربیات عرفانی و درونی مورد استفاده قرار گرفته است (4).

زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی بر آن است تا حقیقت‌های پنهان و درونی را با زبانی نمادین و استعاری به تصویر بکشد، زیرا زبان عادی توانایی انتقال این تجارب عمیق و فراتر از ماده را ندارد. در این راستا، مفاهیمی چون عشق و رنج، دو عنصر کلیدی و محوری در ادبیات عرفانی، تبدیل به ابزارهایی برای بیان تجربه‌های عرفانی و دستیابی به حقیقت مطلق شده‌اند. عشق در عرفان به عنوان نیرویی الهی و معنوی درک می‌شود که انسان را از قیدهای مادی رها کرده و به سوی حقیقت رهنمون می‌سازد. این عشق، که گاه در قالب عشق انسانی و گاه در قالب عشق به خداوند تبلور می‌یابد، نوعی شور و انگیزه درونی برای جستجوی حقیقت و دستیابی به وحدت و یگانگی با خداوند را ایجاد می‌کند (5). در مقابل، رنج در ادبیات عرفانی به عنوان عنصری ترکیه‌کننده مطرح می‌شود؛ ابزاری که از طریق آن انسان به شناخت عمیق‌تر از خود و هستی دست می‌یابد و از مرزهای محدودیت‌های انسانی فراتر می‌رود. در این راستا، شعر فارسی با بهره‌گیری از زبانی نمادین و استعاری، این دو مفهوم را به عنوان پایه‌ای برای بیان تجربیات عرفانی و تأملات فلسفی به کار برده است.

با ورود به ادبیات معاصر، شاعران چون نصرت رحمانی نیز از این مفاهیم به شیوه‌ای نوین بهره برده و با ترکیب عناصر مدرن و ساختارهای نمادین، مفاهیمی چون عشق و رنج را بازآفرینی کرده‌اند. شعر رحمانی به‌طور ویژه به دلیل بهره‌گیری از زبانی نمادین و ساختارهای پیچیده معنایی مورد توجه قرار گرفته است. او با استفاده از نمادهای عشق و رنج، توانسته است تجربه‌های انسانی را از سطح عادی به سطحی معنوی و فلسفی منتقل کند، و در این مسیر به‌ویژه از زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی برای تفسیر این مفاهیم بهره‌جسته است. عشق در اشعار رحمانی نه تنها به عنوان تجربه‌ای فردی، بلکه به عنوان پلی میان فرد و حقیقت مطلق به

تصویر کشیده شده است. این عشق در قالب استعاره‌ها و نمادهای گوناگون بیان می‌شود و به خواننده امکان می‌دهد تا به درکی متفاوت از این مفهوم دست یابد. هم‌چنین، رنج در اشعار رحمانی به‌عنوان مسیری برای شناخت و تعالی مطرح شده است که به نوعی همراه با تجربه‌های عمیق انسانی و فلسفی او در زندگی تلاقی دارد (1).

پژوهش‌های پیشین در زمینه شعر فارسی نشان داده‌اند که نمادهای به‌کاررفته در شعر عرفانی نه تنها برای بیان مفاهیم فلسفی و معنوی به‌کار می‌روند، بلکه نقش مهمی در ایجاد پیوند میان زیبایی و معنا ایفا می‌کنند. به عنوان مثال، وحدتی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی ساختارهای نمادین در شعر نصرت رحمانی و مقایسه آن با شعر شاعران خارجی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چگونه نمادهای به‌کاررفته در اشعار او می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای بیان تجربیات عمیق عرفانی و فلسفی مورد استفاده قرار گیرند. این پژوهش به‌ویژه بر شباهت‌های میان نمادهای عشق و رنج در شعر رحمانی و دیگر شاعران تأکید کرده و به این نتیجه رسیده که رحمانی با استفاده از این نمادها نه تنها به بازتاب تجربه‌های شخصی خود پرداخته، بلکه این تجربه‌ها را در قالبی زیبایی‌شناسانه و معنوی به تصویر کشیده است. این مسئله نشان می‌دهد که نمادهای عشق و رنج در شعر رحمانی به‌عنوان عناصری بنیادین برای ایجاد پیوند میان تجربه‌های فردی و معنوی مورد استفاده قرار گرفته‌اند (2).

به‌علاوه، پژوهش‌های دیگری نیز به تحلیل ساختارهای نمادین در شعر فارسی پرداخته و نشان داده‌اند که چگونه این نمادها می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای بیان مفاهیم پیچیده و چندلایه عرفانی و فلسفی به کار روند. به عنوان مثال، معصومی نایینی و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی چهره‌ی لیلی در شعر معاصر فارسی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چگونه این چهره به‌عنوان نمادی از عشق مطلق و دست‌یافتن به حقیقت به‌کار رفته است.

این پژوهش با تمرکز بر اشعار رحمانی و تأثیر نمادهای عشق و رنج در ایجاد زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی به این نتیجه رسیده است که اشعار وی با بهره‌گیری از زبان نمادین به خواننده کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از مفاهیم عرفانی و معنوی دست یابد (3). مفهوم زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی در شعر فارسی به‌ویژه در دوران معاصر به عنوان یکی از ابعاد کلیدی در خلق تجربه‌های معنوی و فلسفی مورد توجه قرار گرفته است. این زیبایی‌شناسی نه تنها به‌عنوان ابزاری برای بیان مفاهیم عرفانی، بلکه به‌عنوان رویکردی برای ایجاد پیوند میان شاعر و مخاطب، بر عمق معنای اشعار می‌افزاید. در این راستا، رحمانی با استفاده از نمادهای عشق و رنج به‌گونه‌ای توانسته است تجربه‌های شخصی و عرفانی خود را به خواننده منتقل کند که این تجربه‌ها به نوعی فراگیر و جهانی تبدیل شده‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی در شعر رحمانی نه تنها به عنوان ابزاری برای بیان مفاهیم پیچیده عرفانی و فلسفی عمل می‌کند، بلکه به خواننده کمک می‌کند تا به نوعی از تجربه‌ی زیبایی‌شناختی دست یابد که از حدود زبان و زمان فراتر می‌رود و به سطحی معنوی و عرفانی می‌رسد.

تحلیل و بررسی نمادهای عشق و رنج در اشعار نصرت رحمانی

در تحلیل نمادهای عشق در اشعار نصرت رحمانی، عشق به عنوان نیرویی پویا و چندلایه مطرح می‌شود که خواننده را به سفری درونی و معنوی فرا می‌خواند. عشق در شعر رحمانی به‌عنوان عنصری قدرتمند و فراگیر به‌کار گرفته شده است که می‌تواند لایه‌های متعددی از معنا و احساس را برای مخاطب به ارمغان آورد. برخلاف تعبیرات معمولی و سطحی، عشق در اشعار رحمانی فراتر از یک حس فردی است و به‌نوعی جلوه‌ای از اتحاد عرفانی میان انسان و حقیقت برتر را بازنمایی می‌کند. این نوع نگرش به عشق، متأثر از سنت‌های عرفانی اسلامی، به‌ویژه اندیشه‌های مولوی و ابن عربی است که در آن عشق به‌عنوان راهی برای دستیابی به

کمال و پیوند با مطلق تعریف شده است (6). در این راستا، رحمانی از زبان استعاره و نمادین بهره می‌برد تا مفهوم عشق را در قالب تصاویری زنده و ملموس ارائه دهد و به مخاطب امکان دهد تا از طریق شعر به تجربه‌ای زیباشناختی و معنوی دست یابد. نمادهایی که رحمانی برای بیان عشق به کار می‌گیرد، از ریشه‌های فرهنگی و عرفانی غنی برخوردارند. به عنوان نمونه، عشق در قالب‌های نمادین همچون «لیلی» و «مجنون» به تصویر کشیده شده است که این نمادها در ادبیات فارسی ریشه‌های عمیق دارند و اغلب به عنوان الگوهای عشق عرفانی و ناتمام به کار رفته‌اند. این نمادها به نوعی به عنوان بازتابی از عشق الهی و نیرویی که انسان را به سوی تعالی هدایت می‌کند، تعبیر می‌شوند. رحمانی با تلفیق این نمادهای کهن با زبانی معاصر، به نوعی به بازسازی این مفاهیم پرداخته و توانسته است خواننده‌ی معاصر را به درک جدیدی از عشق عرفانی و معنوی هدایت کند. عشق در اینجا نه تنها به عنوان یک حس درونی، بلکه به عنوان ابزاری برای تعالی و رهایی از قیود مادی و دنیوی به تصویر کشیده شده است. این رویکرد نشان‌دهنده تأثیر عرفان اسلامی و به ویژه فلسفه‌ی وحدت وجود در اشعار رحمانی است، به طوری که عشق به عنوان واسطه‌ای برای تجربه‌ی وحدت با حقیقت برتر تلقی می‌شود (1).

از سوی دیگر، نماد رنج در اشعار نصرت رحمانی به عنوان عنصری اساسی و محوری در بازنمایی تجربه‌های انسانی و عرفانی مطرح می‌شود. رنج در شعر رحمانی نه تنها بیانگر سختی‌ها و تلخی‌های زندگی است، بلکه به عنوان مسیری برای شناخت خویش و جستجوی حقیقت به تصویر کشیده شده است. این رویکرد به رنج، شباهت زیادی با فلسفه عرفانی دارد که در آن رنج به عنوان عنصری تزکیه‌دهنده و روشنگر عمل می‌کند و انسان را به سوی درکی عمیق‌تر از خود و هستی هدایت می‌کند. در این معنا، رنج به عنوان تجربه‌ای که با تعالی معنوی و روحی همراه است، به نوعی شبیه به مفاهیم رنج در آثار عرفای بزرگی چون عطار و سنایی

تعبیر می‌شود. رحمانی با استفاده از زبانی استعاره‌ای و نمادین، رنج را به عنوان بخشی از فرآیند تکامل روحی و رشد معنوی معرفی می‌کند و از این طریق به خواننده امکان می‌دهد تا از طریق تجربه‌های شخصی خود به درکی عمیق‌تر از رنج به عنوان یک عنصر معنوی دست یابد (2).

رحمانی با به کارگیری تصاویر و نمادهای متعدد، رنج را به عنوان یک تجربه چندبعدی به تصویر می‌کشد که نه تنها بیانگر آلام و سختی‌های انسانی است، بلکه به عنوان ابزاری برای رهایی از وابستگی‌های دنیوی و دست‌یابی به یک تجربه عرفانی و معنوی مطرح می‌شود. در اینجا، رنج به عنوان عنصری تربیت‌کننده و پالایش‌گر عمل می‌کند که انسان را به سمت کمال و حقیقت می‌برد. به علاوه، رنج در شعر رحمانی به عنوان وسیله‌ای برای بیان تجربه‌های تلخ زندگی روزمره و ناکامی‌های اجتماعی و فردی نیز مطرح است. این نوع رویکرد به رنج نشان می‌دهد که شعر رحمانی با وجود استفاده از زبان عرفانی، به نوعی بیانگر واقعیت‌های تلخ و دشوار زندگی نیز هست و از این طریق به مخاطب امکان می‌دهد تا از تجربه‌های فردی خود به تجربه‌های معنوی دست یابد (4).

مقایسه نمادهای عشق و رنج در اشعار نصرت رحمانی با دیگر شاعران عرفانی فارسی، نشان‌دهنده تفاوت‌ها و شباهت‌های قابل توجهی است. به عنوان مثال، در اشعار مولوی، عشق به عنوان نیرویی مقدس و الهی مطرح می‌شود که انسان را به سوی وحدت با خداوند رهنمون می‌سازد و این عشق در نهایت به فناء فی الله ختم می‌شود. اما در شعر رحمانی، عشق به عنوان نیرویی زمینی‌تر و در عین حال معنوی‌تر به تصویر کشیده شده است. این عشق نه تنها به سوی یگانگی با خداوند، بلکه به سوی رهایی از وابستگی‌های دنیوی و درک عمیق‌تری از معنویت انسان و جامعه سوق می‌دهد. در این راستا، رحمانی با تلفیق عناصر عرفانی و اجتماعی، توانسته است تجربه‌ی عشق را در قالبی نوین بازنمایی

کند که در آن عشق به عنوان پلی میان فرد و جامعه، زمین و آسمان عمل می‌کند (3).

در خصوص نمادهای رنج نیز می‌توان اشاره کرد که رنج در شعر عرفانی کلاسیک، به‌ویژه در آثار عطار و سنایی، به عنوان وسیله‌ای برای تزکیه نفس و دستیابی به حقیقت به کار رفته است. این رنج به‌طور مستقیم با مفاهیم فنا و بقاء در ارتباط است و به نوعی تجربه‌ای است که شاعر را به سوی یگانگی با خداوند هدایت می‌کند. در مقابل، رنج در شعر رحمانی با وجود شباهت‌هایی که با ادبیات عرفانی کلاسیک دارد، به عنوان تجربه‌ای زمینی‌تر و انسانی‌تر مطرح می‌شود. این رنج هم‌زمان که به عنوان مسیری برای تعالی معنوی مطرح است، بیانگر آلام و ناکامی‌های شخصی و اجتماعی نیز هست و از این طریق خواننده را به تجربه‌ای چندلایه از رنج هدایت می‌کند که در آن هم عناصر عرفانی و هم عناصر انسانی به‌صورت هماهنگ حضور دارند (7).

رحمانی با استفاده از زبان و تصاویر نمادین، عشق و رنج را به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که این دو عنصر نه تنها بیانگر تجربه‌های فردی شاعر، بلکه بازتابی از تجربه‌های جمعی و اجتماعی نیز هستند. این پیوند میان فرد و جامعه، میان واقعیت و عرفان، به اشعار رحمانی جذابیت و ژرفایی خاص می‌بخشد که به مخاطب این امکان را می‌دهد تا از خلال لایه‌های مختلف معنا به شناختی عمیق‌تر از خود و جهان دست یابد. بنابراین، نمادهای عشق و رنج در شعر رحمانی نه تنها به عنوان عناصری زیبایی‌شناختی و ادبی، بلکه به عنوان ابزاری برای بیان مفاهیم فلسفی و عرفانی به کار گرفته شده‌اند و از این طریق به خواننده امکان می‌دهند تا از طریق شعر به تجربه‌ای زیباشناختی و معنوی دست یابد (8).

بحث

در بررسی ارتباط بین عشق، رنج، و زیبایی‌شناسی عرفانی در شعر نصرت رحمانی، به وضوح می‌توان دید که این سه مفهوم در اشعار وی به شکلی عمیق و پیچیده درهم تنیده‌اند و به یکدیگر پیوستگی

دارند. رحمانی با ترکیب این مفاهیم و به کارگیری زبان نمادین و استعاری، نوعی زیبایی‌شناسی منحصر به فرد ایجاد کرده که در آن تجربه‌های عاطفی و معنوی انسان به اوج خود می‌رسند. عشق در شعر رحمانی از جنس عرفانی و در عین حال اجتماعی و انسانی است؛ عشقی که هم بیانگر شوق رسیدن به حقیقت متعالی است و هم بازتابی از ناتوانی انسان در تحقق کامل این آرزو در جهانی مادی و پر از محدودیت. از سوی دیگر، رنج به عنوان نیرویی پالایشگر و تکامل‌دهنده مطرح می‌شود که راه را برای تعالی معنوی و خودشناسی باز می‌کند. این ترکیب میان عشق و رنج باعث شده تا رحمانی به نوعی زیبایی‌شناسی عرفانی دست یابد که در آن این دو عنصر نه تنها بیانگر تجربه‌های فردی شاعر، بلکه بازتابی از دیدگاه‌های فلسفی و فرهنگی در زمینه‌ی عرفان و ادبیات فارسی نیز هستند (6).

ارتباط تنگاتنگ میان عشق و رنج در شعر رحمانی به وضوح در سبک نوشتاری او قابل مشاهده است. او با استفاده از تصاویر نمادین و زبانی استعلائی، به گونه‌ای از عشق و رنج سخن می‌گوید که خواننده را به درون خویشتن و دنیای معنوی می‌کشاند. این نوع از عشق و رنج که به تجربه‌ای عرفانی و تعالی‌بخش اشاره دارد، یادآور دیدگاه‌های عرفانی اسلامی است که در آن‌ها عشق نیرویی است که انسان را به سوی حقیقت برتر هدایت می‌کند و رنج به عنوان پالایشی برای رهایی از خویشتن و تقویت پیوند با معنویت درک می‌شود. از این منظر، شعر رحمانی تنها به بیان احساسات بسنده نمی‌کند؛ بلکه به ارائه‌ی یک فلسفه‌ی زندگی و زیبایی‌شناسی عرفانی می‌پردازد که در آن عشق و رنج به عنوان ابعاد اساسی وجود و تکامل انسان جلوه‌گر می‌شوند (2).

پیوندهای فلسفی و فرهنگی موجود در اشعار رحمانی به‌ویژه در رابطه با مفهوم عشق و رنج، به طرز شگرفی این دو مفهوم را به عنوان عناصری ضروری و تفکیک‌ناپذیر در مسیر شناخت و تعالی انسان به تصویر می‌کشند. در بستر فرهنگی ایران، عشق و

رنج در ادبیات کلاسیک به عنوان تجربه‌های اساسی و همیشگی انسان در مسیر جستجوی حقیقت مطرح شده‌اند و رحمانی با بهره‌گیری از این بستر، این مفاهیم را به گونه‌ای بازآفرینی کرده که با مخاطب معاصر نیز ارتباط برقرار کند. او در استفاده از این مفاهیم، ضمن وفاداری به سنت‌های عرفانی، به بازتاب تحولات فکری و فرهنگی دوران خویش نیز پرداخته است؛ به طوری که عشق و رنج در اشعار وی به نوعی بازتابی از چالش‌ها و محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی زمانه‌اش تبدیل شده‌اند (۱). این ترکیب بی‌نظیر از اندیشه‌های کلاسیک و نگرش‌های مدرن، به شعر رحمانی زبانی خاص و زیبایی‌شناسی منحصر به فرد می‌بخشد که به شدت در مخاطب تأثیر می‌گذارد و او را به تأمل و تفکر وامی‌دارد.

نمادهای عشق و رنج در شعر رحمانی علاوه بر نقشی که در زیبایی‌شناسی آثار او ایفا می‌کنند، به طرز موثری در ایجاد هماهنگی میان تجربه‌های شخصی شاعر و مسائل اجتماعی و فرهنگی عصر او سهیم هستند. عشق در اشعار رحمانی نه تنها به عنوان راهی برای شناخت معنوی، بلکه به عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های اجتماعی و فرهنگی به کار می‌رود. رحمانی از نماد عشق برای انتقاد از بی‌عدالتی‌های اجتماعی و بیان اعتراضات خود به وضعیت جامعه استفاده می‌کند و این نماد به عنوان پلی میان عرفان و جامعه‌گرایی در اشعار او جلوه می‌کند. به همین ترتیب، رنج نیز به عنوان عنصری کلیدی در آثار او مطرح می‌شود که هم به عنوان تجربه‌ای معنوی و هم به عنوان ابزاری برای بیان نارضایتی از وضعیت اجتماعی به کار می‌رود. این ویژگی به اشعار رحمانی جنبه‌ای چندبعدی می‌بخشد و به مخاطب امکان می‌دهد تا از طریق شعر او به درکی عمیق‌تر از شرایط اجتماعی و معنوی زمانه‌اش برسد (۴).

از سوی دیگر، تأثیرگذاری این نمادها در ایجاد زیبایی‌شناسی خاص شعر رحمانی به شکلی است که مخاطب را به تفکر عمیق

در باب مفاهیم عشق و رنج وامی‌دارد. این نوع از زیبایی‌شناسی که از سنت‌های عرفانی و فلسفی سرچشمه می‌گیرد، به اشعار رحمانی هویتی منحصر به فرد و عمیق می‌بخشد که به شدت با دنیای درونی مخاطب در ارتباط قرار می‌گیرد. در اینجا عشق و رنج به عنوان عناصر متعالی و تجارب انسانی مطرح می‌شوند که خواننده را به تجربه‌ای زیباشناختی و معنوی هدایت می‌کنند. از آنجا که عشق و رنج در این اشعار با زبان نمادین و استعاری بیان می‌شوند، مخاطب به صورت مستقیم وارد دنیای درونی شاعر می‌شود و از طریق این نمادها به شناختی عمیق‌تر از خود و جهان دست می‌یابد (۷). این نوع از زیبایی‌شناسی عرفانی که بر پایه‌ی عشق و رنج شکل گرفته است، به شعر رحمانی ارزشی فراتر از شعر محض می‌بخشد و آن را به یک اثر هنری-فلسفی تبدیل می‌کند که در آن خواننده می‌تواند به تجربه‌ای منحصر به فرد از زیبایی و معنا دست یابد.

در نهایت، می‌توان گفت که عشق، رنج، و زیبایی‌شناسی عرفانی در شعر نصرت رحمانی به عنوان عناصری اساسی در خلق تجربه‌های هنری و معنوی برای مخاطب مطرح می‌شوند. رحمانی با تلفیق این مفاهیم و به کارگیری زبان و نمادهای خاص، توانسته است به شکلی هنرمندانه و تأثیرگذار به بیان تجربه‌های انسانی و فلسفی بپردازد که از دیدگاه عرفانی و معنوی بهره‌مند هستند. این ویژگی‌ها باعث شده‌اند که اشعار رحمانی به تجربه‌ای زیباشناختی و معنوی برای خواننده تبدیل شوند و به نوعی با درونی‌ترین لایه‌های عاطفی و معنوی او ارتباط برقرار کنند. به عبارت دیگر، عشق و رنج در شعر رحمانی نه تنها به عنوان تجربه‌های شخصی شاعر، بلکه به عنوان انعکاسی از فرهنگ و فلسفه‌ی عرفانی ایران عمل می‌کنند و از این طریق به خواننده امکان می‌دهند تا به درک جدیدی از زیبایی و معنویت دست یابد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری این پژوهش بر اساس تحلیل نمادهای عشق و رنج در اشعار نصرت رحمانی نشان‌دهنده‌ی اهمیت عمیق این مفاهیم در ایجاد زبان و زیبایی‌شناسی منحصر به فرد اوست. یافته‌ها نشان می‌دهند که رحمانی با استفاده از عشق و رنج، تجربه‌ای فراتر از حیات مادی را به تصویر می‌کشد و به نوعی پل میان دنیای درونی و معنوی انسان و مفاهیم عمیق عرفانی می‌زند. عشق در شعر او به عنوان نیرویی جاذبه‌ای و تعالی‌بخش معرفی می‌شود که خواننده را به جستجوی معنا و حقیقت برمی‌انگیزد. رحمانی با ارائه‌ی عشق در قالب استعاره‌های عرفانی، خواننده را به طور غیرمستقیم به سیر و سلوک عرفانی می‌کشانند، و از سوی دیگر، با نشان دادن رنج به عنوان ابزار تزکیه، مخاطب را به سوی شناخت عمیق‌تری از تجربه‌های انسانی سوق می‌دهد. بدین ترتیب، شعر رحمانی تنها به بیان احساسات و تجربیات شخصی محدود نمی‌شود، بلکه به درک فرهنگی و فلسفی از مفاهیم عرفانی نیز کمک می‌کند و زیبایی‌شناسی عرفانی-ادبی او به یکی از ویژگی‌های اساسی شعرش بدل شده است (6).

این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که عشق و رنج در اشعار رحمانی نه تنها تجربه‌های فردی شاعر، بلکه به عنوان انعکاس و نقد واقعیت‌های اجتماعی نیز تفسیر می‌شوند. رحمانی با به کارگیری زبان نمادین و ساختارهای پیچیده، به بیان اعتراضات و نارضایتی‌های خود از شرایط اجتماعی زمانه‌اش پرداخته و این موضوع را از طریق نمادهای عرفانی عشق و رنج به مخاطب منتقل می‌کند. در این مسیر، او توانسته است به ترکیبی از عرفان و نقد اجتماعی دست یابد و به ویژه برای مخاطب معاصر تجربه‌ای منحصر به فرد فراهم کند که در آن زیبایی‌شناسی و معنا در هم تنیده‌اند. این بُعد انتقادی و اجتماعی اشعار رحمانی او را از دیگر شاعران عرفانی متمایز می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه عرفان می‌تواند به عنوان ابزار بیان نارضایتی‌های اجتماعی و فرهنگی نیز عمل کند (2).

در سطح کلی‌تر، این پژوهش به فهم عمیق‌تری از جایگاه نمادهای عشق و رنج در شعر فارسی کمک می‌کند. از آنجا که این دو مفهوم از دیرباز به عنوان عناصر کلیدی در ادبیات فارسی و به ویژه در ادبیات عرفانی مورد توجه قرار گرفته‌اند، بررسی آن‌ها در اشعار معاصر مانند اشعار رحمانی نشان می‌دهد که این مفاهیم همچنان دارای ظرفیت و پتانسیل‌های بی‌پایانی برای بازآفرینی و بازتفسیر هستند. رویکرد رحمانی به عشق و رنج به عنوان تجربه‌های عرفانی و در عین حال اجتماعی، به ما امکان می‌دهد که ارتباط بین شعر معاصر و سنت‌های عرفانی را از منظر جدید بررسی کنیم و دریابیم که چگونه شعر فارسی قادر به انطباق با نیازها و چالش‌های زمانه‌های مختلف است (1).

پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده می‌توان مطرح کرد که به گسترش شناخت از شعر عرفانی و نمادشناسی کمک کند. یکی از این پیشنهادات، بررسی تطبیقی مفاهیم عشق و رنج در اشعار دیگر شاعران معاصر با آثار رحمانی است. این مقایسه می‌تواند نشان دهد که چگونه شاعران معاصر هر یک به شیوه‌ای منحصر به فرد از این مفاهیم استفاده کرده و آن‌ها را با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خود تطبیق داده‌اند. علاوه بر این، مطالعه‌ای بر روی تأثیر عرفان اسلامی و فلسفه‌ی وحدت وجود بر نمادهای عشق و رنج در شعر معاصر می‌تواند به شناخت بیشتری از روند تکاملی این مفاهیم در ادبیات فارسی منجر شود (3).

پژوهش دیگری که می‌تواند به شناخت بیشتر از اشعار رحمانی کمک کند، تحلیل نمادهای اجتماعی و سیاسی در کنار نمادهای عرفانی در اشعار وی است. این تحلیل می‌تواند نشان دهد که چگونه رحمانی از نمادهای عرفانی برای بیان انتقادات اجتماعی و فرهنگی بهره برده و به چه شیوه‌ای نمادهای عرفانی را به عنوان ابزار بیان اعتراضات و نارضایتی‌های خود از شرایط زمانه به کار گرفته است. این رویکرد به ما کمک می‌کند که جنبه‌های چندلایه‌ی

تأثیر عرفان بر دیگر جوانب شعر معاصر مانند مضامین اجتماعی، فلسفی و سیاسی پردازند و بررسی کنند که چگونه این زیبایی‌شناسی خاص می‌تواند با سایر زمینه‌های فکری و فرهنگی تلفیق شود. این مطالعات می‌تواند به پژوهشگران کمک کند که به درک جامعی از پیوندهای میان شعر فارسی و عرفان اسلامی دست یابند و نشان دهند که چگونه عرفان می‌تواند به عنوان ابزاری برای بیان تجربه‌های اجتماعی و فرهنگی در اشعار معاصر به کار رود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study explores the symbolic structures of love and suffering in the poetry of Nosrat Rahmani, examining how these two fundamental concepts contribute to his unique mystical-aesthetic framework. Rahmani, a prominent figure in contemporary Persian poetry, employs love and suffering as central motifs that create a profound, multi-layered experience for readers, leading them toward an aesthetic appreciation that transcends mere literary enjoyment. The study positions Rahmani's work within the larger context of Persian mystical literature, where love and suffering have traditionally served as essential elements for spiritual self-discovery and transcendence (6). By drawing on the mystical and cultural roots of these symbols, Rahmani aligns with classic Persian literature while also

شعر او را بهتر درک کنیم و به زیبایی‌شناسی خاص اشعار او که از تلفیق عرفان و نقد اجتماعی بهره‌مند است، پی ببریم (4).

همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران به بررسی جنبه‌های زبان‌شناختی و ساختاری در اشعار رحمانی بپردازند. مطالعه‌ی زبان، ساختار و تکنیک‌های ادبی به‌کاررفته در اشعار او می‌تواند به درک بهتری از روش‌های بیانی و تأثیرگذاری زبان نمادین وی منجر شود. تحلیل زبانی و ساختاری اشعار رحمانی، به‌ویژه در زمینه‌ی استفاده از استعاره‌ها و نمادهای خاص برای بیان مفاهیم عرفانی و فلسفی، می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا به درک عمیق‌تری از تکنیک‌های ادبی و سبکی او دست یابند (7).

در نهایت، این پژوهش می‌تواند به عنوان نقطه آغازی برای مطالعات بیشتر در زمینه‌ی زیبایی‌شناسی عرفانی در شعر معاصر فارسی عمل کند. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی به تحلیل addressing modern social and personal dilemmas, making his poetry particularly relevant for both historical and contemporary audiences.

In Rahmani's poetic framework, love operates not merely as a romantic or interpersonal emotion but as a transcendent force that resonates with traditional Persian mysticism, echoing themes present in the works of poets like Rumi and Hafez. Love in Rahmani's work, often depicted through symbolic imagery, functions as a spiritual vehicle that guides individuals toward a deeper understanding of existence. His use of metaphors related to historical mystical figures, such as the archetypes of Leyla and Majnun, allows him to connect with the deep-rooted cultural consciousness of his readers, positioning love as a divine pursuit rather than a worldly affair

(1). This view reflects an enduring belief in Persian mysticism that love, when freed from earthly bounds, becomes a means to unite with a higher truth. Rahmani adapts this concept to the context of contemporary Iranian society, allowing love to serve as both a universal and culturally resonant experience that transcends personal emotion and speaks to a broader spiritual journey.

Similarly, Rahmani portrays suffering as an essential, purifying force that aligns closely with mystical beliefs in self-sacrifice and the transcendence of the self. In his poetry, suffering is not merely a state of despair or hopelessness; rather, it is a vehicle for personal and spiritual refinement. Rahmani's perspective on suffering resonates with themes from classical Persian literature, where hardship and pain are seen as necessary stages in the path toward self-discovery and connection with the divine (2). Unlike classic mystical poets, however, Rahmani contextualizes suffering in a more contemporary framework, integrating social and personal conflicts to make the concept relevant for modern readers. Suffering, in his view, is a dual expression of the individual and collective struggle, where personal hardships reflect the societal issues facing Iran. Rahmani's poetry thus expands the traditional mystical framework, illustrating suffering as both a necessary spiritual journey and a commentary on the human condition in his time.

In the interweaving of love and suffering, Rahmani's poetry constructs a unique aesthetic that integrates Persian mystical philosophy with reflections on personal and social struggle. This duality allows him to approach the mystical path from an angle that resonates deeply with readers, blending beauty with the sorrow inherent in human experience. Rahmani's use of language and symbolism transforms his poetry into an emotional journey, where readers encounter love and suffering not only as isolated concepts but as interconnected forces that drive human existence toward meaning and self-actualization. By using these themes symbolically, Rahmani enables a reading of his poetry that is at once an aesthetic experience and a philosophical exploration of human existence (4). This symbolic duality distinguishes Rahmani's work, presenting love and suffering as mutually reinforcing elements that contribute to a multi-dimensional understanding of mystical experience.

The study also compares Rahmani's approach to love and suffering with that of classical Persian poets, revealing both continuities and departures in his treatment of these themes. Classical poets, like Rumi, often treated love as an all-encompassing force that led to union with the divine, while suffering was viewed as a form of purification that facilitated spiritual growth. Rahmani, however, adapts these ideas by embedding them within the context of 20th-century Iran, thereby making his themes relevant to contemporary audiences. His love,

while mystical, retains elements of earthly attachment, creating a tension between divine and human experiences (3). This nuanced portrayal allows Rahmani to address the conflicts between spiritual aspirations and worldly limitations, reflecting the existential struggles of his era. His treatment of suffering is similarly distinctive; unlike the classical view of suffering as an isolated spiritual trial, Rahmani incorporates it as a response to social injustices and personal alienation, aligning mystical ideals with socio-political concerns.

Rahmani's unique use of love and suffering contributes to the creation of a distinctly mystical aesthetic that resonates with the cultural and spiritual ethos of Persian literature while simultaneously addressing modern sensibilities. The beauty in Rahmani's poetry is thus not simply a matter of form or style but emerges from the symbolic interaction of love and suffering, which serves as a foundation for his aesthetic and philosophical vision. This combination of love and suffering reflects a broader cultural and philosophical perspective that is deeply embedded in Persian literary and mystical traditions. Through his innovative approach, Rahmani achieves a form of poetic expression that transcends individual experience, invoking a collective sense of longing, spiritual elevation, and social critique (7). This aesthetic uniqueness reinforces the view that love and suffering, when woven together, can serve as powerful tools for both

self-reflection and broader social understanding.

In conclusion, this study highlights Rahmani's contributions to Persian mystical literature, illustrating how he uses love and suffering to engage readers on both a spiritual and emotional level. His poetry challenges conventional understandings of mysticism by integrating social critique into the traditional frameworks of love and suffering. This dual approach not only deepens readers' engagement with his poetry but also provides a new lens through which to view the role of mysticism in addressing contemporary issues. Future studies might explore the influence of Rahmani's mystical symbolism on modern Persian poetry, examining how other poets have similarly adapted these concepts in response to changing social contexts. Additional research might also investigate the structural and linguistic techniques Rahmani employs to enhance the symbolic resonance of love and suffering, offering further insight into his unique contributions to Persian literary aesthetics.

References

1. Baqi Nejad A, Mohammadi H, Barat M. Gothicism and Gothic narrative in the poetry of Nosrat Rahmani. *Poetry Studies (Bustān-e Adab)*. 2024.
2. Vahdati M, Asadi Amjad F, Fazel A. Yearning and the lost desired: A Lacanian study of Nosrat Rahmani's and Bukowski's poetry. *New Literary Essays*. 2023;56(3).
3. Masoomi Nayini H, Hashemi A, Nasr Esfahani N. The figure of Leyla in contemporary Persian poetry based on mythological criticism (Case study: Nosrat Rahmani, Forough Farrokhzad, and Hossein Monzavi). *Poetry Studies (Bustān-e Adab)*. 2023;15(2):81-106.

4. Hosseini Sarvari M. Deviance in literary norms in Nosrat Rahmani's poetry. *Contemporary Persian Literature*. 2014;4(1):51-70.
5. Omid Ali M, Dehrami R. Aesthetic aspects of imagery and its harmony with emotion and thought in the poetry of Nosrat Rahmani. *Studies in Rhetoric and Grammar*. 2017;7(11):29-51.
6. Safayi H. A comparison of Forough Farrokhzad and Nosrat Rahmani's dark poetry. *Literary Studies*. 2010;7(27):9-36.
7. Karimi A, Sarkhi F, Tahmasbi, Khavajat A. Analysis of nihilistic elements in relation to lyrical literature in contemporary poetry: Case study of Nosrat Rahmani, Fereydoon Moshiri, and Nader Naderpour. *Studies in Lyric Language and Literature*. 2022;12(44):76-88.
8. Hossein Abadi M, Esmaili A, Morad R, Ramin Nia S. Analysis of the connection between mythological elements and the dark romanticism themes in Nosrat Rahmani's poetry. *Social Studies in Persian Literature*. 2023;5(2):26-39.